

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و برزنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Arts & Music

هنر و موسیقی

محمد حیدر اختر
۱۳ سپتمبر ۲۰۱۵

استاد بيلتون یک نام آشنا در گستره موسیقی افغانستان

آهنگ ها و ترانه های فلکلوریک در معرفی و شناخت کلتور و فرهنگ ملت های مختلف رول بس ارزنده را بازی کرده و می کند که خوشبختانه موسیقی فلکلوری محلی ما در میان انبوهی از روستا نشینان و شهر وندان کشور نسل به نسل و سینه به سینه انتقال یافته و مانده گار شده است . نه تنها در روستا ها بلکه شهر نشینان کابل ، سایر شهر ها و حتی ممالک همجوار و کشور های اروپائی ، امریکا ، استراليا دلبستگی عمیقی به موسیقی طرب انگیز و نشاط آور فلکوریک محلی ما نشان داده اند و بيلتون یکی از مشهورترین و والاترین هنرمند در ساحه موسیقی اصیل محلی در افغانستان به شمار می رود .

نام بيلتون برای مردم ما کاملاً نامی آشنا است . به پاس حقشناسی از بيلتون ، این هنرمند مردمی یادی می نمائیم زیرا گرویده هنر والایش بوده و سال هاست که آواز گیرایش ، آوازی که در آن فریاد و تواضع مخصوصی وجود داشته و به زیبایی آن می افزاید از طریق امواج رادیو تلویزیون و مجالس شادی گوش ها را نوازش کرده و بدل علاقه مندانش چنگ زده است .

مؤمن جان بيلتون پیش از آن که به اوج شهرت و محبوبیت در بین مردم قرار بگیرد سال های قبل ، یعنی آن گاه که کودکی بیش نبود با آلات موسیقی آشنا شد و علاقه زیادی به موسیقی از خود ابراز نمود . وی هنوز چشم به دنیا نگشوده بود که پدرش دنیای فانی را وداع گفته و هنوز طفل کوچکی بیش نبود که مادرش را از دست داد و طفل محروم



از نوازش والدین در خانه خواهرش در ولایت لوگر به زندگی اش ادامه داد. بيلتون با وجود همه مشکلات فقر و بیچارگی با توله ای که از نی ساخته شده بود آهنگ هائی را می نواخت و گاه گاهی آهسته آهسته آهنگی را با خودش زمزمه می کرد. دوستان و همسالانش وی را تشویق می کردند و در پی تحسین آوازش بر می آمدند. همزمان او با

پشتکار و علاقه مندی روانش را با نغمه ها و آواز ها هماهنگی می بخشید و با سازها خلوت می کرد و زمانی هم با پنجه های کوچکش تارهای تنبورش را نوازش می داد.

بعضی اوقات به اثر اصرار دوستان، بزم دوستانه همسالانش را با صدایش گرم می ساخت و گاهی هم چار دیواری های بلند قلعه های گلی منطقه لوگر را با ساز و سرودش رونق می بخشید و پیوسته اینجا و آنجا تحسین همگان را بر می انگيخت و شمار علاقه مندان از همان آوان، روز تا روز بیشتر و افزونتر می گشت تا بالاخره برای بار نخست با معرفتی که با استاد "دری لوگری" داشت، پایش به عقب میکروفون رادیو افغانستان کشانیده شد و اولین آهنگش را از طریق امواج رادیو تقدیم هنر دوستان کرد.

بیلتون هنرمندیست که در میان مردم خود زندگی کرده و هنرش را باصفا و صمیمیت در خدمت جامعه و مردمش قرار داده است زیرا او هر باری که در محافل و کنسرت ها ظاهر می گشت با علاقه مندان آوازش هر نوع فاصله را می برید و خود را با مردم خود نزدیک و نزدیکتر احساس می کرد و همان بود که باز تاب های احساس مردمش را به خوبی درک کرد

بیلتون در طول دوره فعالیت های هنری اش چار بار به حیث هنرمند سال « موسیقی محلی » از طرف مردمش شناخته شده و پنج مدال هنری را نصیب گردیده است و آخرین بار از طرف تلویزیون آریانای کابل نیز هنرمند سال در بخش محلی انتخاب گردید.

بیلتون سفر های زیادی به خارج از کشور مانند ترکیه ، بلغاریه و یوگوسلاویا داشته است و در کنسرت هایش مورد استقبال قرار گرفته است بعد از مهاجرت از افغانستان سفر هنری به اروپا و آمریکا نیز داشت که با گرمی زیادی مورد استقبال هموطنانش در خارج از کشور قرار گرفت .

اشعار آهنگ ها و سروده های بیلتون همه به زبان ساده بوده و کلمات سجه فارسی دری را به کار برده ولی با آن هم چندین آهنگ وی در رادیو افغانستان توقیف شده و اجازه نشر نداشت از آن جمله یکی از آهنگ هایش را خوب به خاطر دارم که مطلعش چنین بود :



شکر که پری جانم آمد

از راه سفر نور دو چشمانم آمد

این آهنگ بیلتون موقعی توقیف گردید که ملکه حمیرا خانم محمد ظاهرشاه پادشاه سابق افغانستان از سفر خارج دوباره به کابل عودت کرد . حینی که وی از طیاره در میدان هوایی کابل پائین آمد تصادفاً همین آهنگ بیلتون از طریق امواج رادیو افغانستان نشر می شد .

با آن که واضح نشد که دستی در کار بود و یا تصادفاً آن آهنگ در همان موقع نشر شده بود ولی به هر حال ریاست نشرات رادیو افغانستان دستور داد که آن آهنگ قید شود بنا به خط سرخ نوشته شده بود « قید است » و شاید تا امروز نیز در

آرشیف موسیقی رادیو تلویزیون افغانستان به همان شکل باقی مانده باشد و اجازه نشر نداشته باشد .

استاد بیلتون ازدواج نموده و هفت فرزند دارد و یگانه آرزویش این بود که تا پایان عمر به حیث هنرمند در خدمت مردمش قرار داشته باشد. با صد دریغ و درد مدتیست که استاد بیلتون بینائی و شنوائی اش را از دست داده و در کنج خانه حیات به سر می برد دیگر پنجه هایش توان آن را ندارد که تار های تنبورش را به احتزاز بیاورد و دیگر نمی

تواند آواز بخواند و به بسیار مشکل سخن می زند . وزارت اطلاعات و فرهنگ و ریاست عمومی رادیو تلویزیون افغانستان نتوانسته و یا شاید هم نخواستند این هنرمند والا و بی بدیل افغانستان را جهت معالجه به یکی از کشورهای خارجی مانند هندوستان بفرستند.

ما در حالی که صحت عاجل استاد بیلتون را از بارگاه ایزد متعال خواهیم توجه مقامات مربوط و هموطنان هنردوست و به خصوص از علاقه مندان آواز بیلتون تقاضا می نمائیم تا در این شرایط دشوار بیلتون را تنها نگذاشته و در قسمت معالجه این هنرمند مردمی لطف مادی و معنوی شان را دریغ ننمایند .